

بررسی شورای دولتی فرانسه و صلاحیت‌های آن

عیسی دانشپور بخشایشی *

چکیده

شورای دولتی فرانسه از تأسیسات ناپلئون بنا پارت است و در واقع جانشین شورای پادشاهی قبلی تلقی می‌گردد. شورای دولتی همچون سلف خویش صلاحیت مشورتی داشت. با توسعه انواع روابط اجتماعی و دخالت دولت در تمامی شئون زندگی مردم و از طرفی لزوم کنترل قوه مجریه، صلاحیت قضائی شورای دولتی محسوس و ضروری شد؛ تا جایی که بتدریج صلاحیت قضائی از صلاحیت مشورتی آن پیشی گرفت. در حال حاضر شورای دولتی به عنوان عالی‌ترین دادگاه اداری فرانسه بر تمامی ادارات دولتی و موسسات عمومی نظارت می‌کند.

شورای دولتی دارای دو نوع تشکیلات است: تشکیلات اداری که مبادرت به ارائه نظریه مشورتی می‌کند و نظرات آن جنبه الزامی ندارند و تشکیلات قضائی (ترافعی) که به دعاوی رسیدگی کرده و آراء آنها از ضمانت اجرائی برخوردار است. صلاحیت مشورتی شورای دولتی نیز دو گونه است:

الف: صلاحیت مشورتی اجباری که در موارد معین قانونی، دولت باید قبل از هر گونه تصمیم و اقدام نظریه مشورتی شورای دولتی را اخذ کند. ب: صلاحیت مشورتی اختیاری هم در مواردی است که دولت بدون اینکه الزامی برای مشاوره روبروی خود داشته باشد اختیار مشاوره با شورای دولتی را دارد.

در مورد صلاحیت قضائی هم دو نوع دعوی در شورای دولتی قابل طرح است: ۱- دعاوی تجاوز از حدود اختیار ۲- دعاوی استیفای حق، که بنا به مورد شورای دولتی به عنوان مرجع بدوی یا تجدیدنظر و یا فرجام قانوناً حق رسیدگی ترافعی دارد. نکته آخر اینکه در موارد مهم و با اهمیت، هیأت عمومی شورای دولتی صلاحیت ارائه نظر مشورتی و رای را دارد.

واژگان کلیدی: تاریخچه - صلاحیت مشورتی، اجباری و اختیاری - صلاحیت قضائی.

مقدمه

در جوامع کنونی استفاده از تجارب، یافته‌ها و دستاوردهای دیگران در زمینه علوم مختلف امری اجتناب‌ناپذیر است. مطالعه تطبیقی علوم یکی از بهترین روشهای کسب علم و تحصیل بهترین نمونه‌ها و یافته‌هاست. در حوزه وسیع علم حقوق می‌توان با بهره‌مندی از فنون و شیوه‌های حقوق تطبیقی^(۱) بهترین قواعد حقوقی را استخراج کرد. تحقیق حاضر نمونه‌ای کوچک برای شناخت یکی از نهادهای رسمی و دولتی فرانسه تحت عنوان «شورای دولتی» است که دادرسی اداری را در این کشور سکانداری می‌کند. در این تحقیق ضمن بیان تاریخچه و سازمان این نهاد، سعی شده است که صلاحیتهای این نهاد اعم از صلاحیتهای مشورتی و قضائی اجمالاً مورد بررسی قرار گیرد.

بخش اول

نگرشی تاریخی به شورای دولتی فرانسه

اساس اولیه «شورای دولتی»^(۲) را ناپلئون بناپارت بنا نهاد و در واقع از تأسیسات اولیه امپراطوری دوم است. قبل از تأسیس و تشکیل رسمی شورای دولتی، اعتراضات و شکایات نسبت به اقدامات دولت و مأمورین آن در خود ادارات مورد رسیدگی قرار می‌گرفت و چون تفکیک قوا به مفهوم و معنای امروزی وجود نداشت لذا دستگاههای اداری بعضاً صلاحیتهای قضائی را نیز اعمال می‌کردند. «در نظام پادشاهی فرانسه «شورای پادشاهی»^(۳) یک سلسله وظایف قضائی به عهده داشت و شاه هر موقع که اراده می‌کرد می‌توانست بوسیله یک دستخط، موردی را از قلمرو و سلطه دادگاههای عمومی خارج و به شورای پادشاهی محول کند و دلیل خود را نیز رعایت مصالح عالی سلطنت اعلام دارد.»^(۴)

وظایف فعلی شورای دولتی قبل از تأسیس رسمی آن در صلاحیت شورای پادشاهی بود. بعد از انقلاب کبیر فرانسه شورای دولتی براساس قانون سال ۱۷۹۱ رسماً تأسیس گردید و شخص پادشاه و وزیران به عنوان اعضای آن معرفی شدند. این شورا

در ابتدا فقط صلاحیت مشورتی داشت و نظر شورای دولتی هیچ گونه ضمانت اجرایی نداشت. هر موردی که به شورا ارجاع داده می‌شد، شورا نظریه مشورتی خویش را ارائه می‌داد و تصمیم نهایی و قطعی با دولت و هیأت وزیران بود و حتی در حوزه قضائی هم نظریه شورا بیشتر به مشورت و ارائه پیشنهاد خلاصه می‌شد و هیچ تصمیمی از شورا جنبه الزامی نداشت. به تدریج و با تغییر حکومتها شورای دولتی به مرجع رسیدگی به دعاوی اداری تبدیل شد و توانست مستقلاً رأی نیز صادر کند و بدین ترتیب حکام و وزرا صلاحیت قضائی قبلی را در خصوص دعاوی ناشی از اداره از دست دادند و شورای دولتی به یک مرجع قضائی اداری و به عنوان دادگاه اداری مطرح گردید و از هر نوع وابستگی به دولت نجات یافت.^(۶) نظام سیاسی نوین انقلاب چنین نهاد تازه‌ای را در برابر دستگاه قضائی سنتی به این دلیل پدید آورد تا بتواند از فشار دستگاه قضائی سنتی برهد. زیرا قوه قضائیه به دلیل عدم همراهی با انقلاب، اغلب به آسانی شکایت‌های مردمی علیه سازمانهای اداری انقلاب را محق دانسته، قوه مجریه انقلاب را به جبران زیانهای که وارد کرده بود وادار می‌کرد. ولی کم‌کم «شورای دولتی» در واقع «دیوان کشور» خود نهادی شد که به جای آنکه از خواستهای دولت پشتیبانی کند بیشتر به سود مردم رأی می‌داد (و می‌دهد) و قوه قضائیه همچنان یک دستگاه سنتی ماندگار شد. آراء شورای دولتی فرانسه ابتدا متکی به روح قوانین و عدالت و انصاف بود و به طور استثنائی بر پایه قانون بوده است. تا جایی که می‌گویند حقوق اداری متکی بر رویه قضائی است که شورای دولتی آن را شکل داده و به وجود آورده است.^(۷)

تا سده نوزدهم و نیمه دوم سده بیستم شورای دولتی تنها مرجع رسیدگی به اختلافات و شکایات از ادارات فرانسه بود و در حقیقت کلیه دعاوی اداری در یک دستگاه اداری به نام «شورای دولتی» متمرکز بود. به تبع افزایش دخالت دولت در امور جامعه شکایات و دعاوی نیز علیه دولت تنوع بیشتری یافت. در نتیجه پرونده‌های متعددی در «شورای دولتی» متراکم گردید. نظام حقوقی فرانسه برای رهایی از این معضل دو اقدام مناسب را پی‌ریزی کرد. گام نخست منطقه‌ای کردن دادرسی اداری بود.

در این راستا در سال ۱۹۵۳ دادگاههای اداری در استانها تأسیس شد و پیرو آن در سال ۱۹۸۷ دادگاههای تجدید نظر اداری نیز شروع به فعالیت کردند و بدین ترتیب صلاحیت تجدید نظر از آراء دادگاههای اداری از شورای دولتی به دادگاههای تجدید نظر اداری منتقل گردید و باعث شد تا تراکم پرونده‌ها در شورای دولتی بیش از پیش کاهش یابد. گام دوم ایجاد و تأسیس دادگاههای اداری با صلاحیت‌های خاص بود که در موارد خاصی مثل امور صنفی و حرفه‌ای این دادگاهها صلاحیت رسیدگی و احقاق حقوق شاکیان را عهده‌دار شدند.

شورای دولتی علاوه بر صلاحیت مؤثر قضائی در حکومت فرانسه دارای صلاحیت‌های مشورتی نیز هست. در واقع باید اذعان کرد که در سایه صلاحیت‌های مشورتی و اجبارها و الزامات اجتماعی و لزوم کنترل قوه مجریه، نظام حکومتی فرانسه صلاحیت قضائی را نیز به این شورا اعطاء کرد تا از تمرکز قدرت و تکتازیهای قوه مجریه بکاهد و برای در امان ماندن از نظارتها و کنترل‌های بی‌مورد قوه قضائیه، کار نظارت قضائی بر اعمال قوه مجریه را به یک نهاد مستقل از دولت و قوه قضائیه اعطاء کرد تا شورای دولتی به عنوان یک نهاد سیاسی - قضائی، جایگاه خویش را در نظام حکومتی تثبیت کند. این شورا، به عنوان چیزی شبیه به واسطه بین شورای وزیران^(۷) و دستگاه اداری و چیزی که تا اندازه زیادی مستقل از آنها است در مقامی است که نفوذ خود را بر هر دوی آنها تحمیل می‌کند.^(۸)

توسعه و گسترش نظام آئین نامه‌ای در فرانسه نقش و جایگاه شورای دولتی را دوچندان کرده است. زیرا از یک طرف در تهیه و تنظیم اکثر آئین‌نامه‌ها و مقررات دولتی شورای دولتی با استفاده از متخصصان زبده خویش دولت را مشاوره و راهنمایی می‌کند و بدین وسیله شورا سیاستها و اهداف و نظرات خویش را به دولت و هیأت دولت تحمیل می‌کند. دیگر اینکه دولت به دلیل اجتناب و پرهیز از رویارویی با شورای دولتی و مواجه نشدن با الغاء و ابطال مصوبات خویش سعی می‌کند از رهگذر مشاوره با شورا مصوبات خویش را در سمت و سوی نظرات و عقاید شورا قرار دهد؛ والا در صورت مابینت مقررات دولتی با قانون عادی و یا قانون اساسی، قسمت قضائی شورا

می‌تواند با استناد به «تخطی از حدود اختیار» آن را لغو کند. این دو نقش متمایز، رساننده این مفهوم است که شورای دولتی به عنوان یک نهاد سیاسی - قضائی تسلط و نفوذ خویش را بر قوه مجریه تکمیل کرده است.

شورای دولتی از رهگذر صلاحیت قضائی و مشورتی یک صلاحیت اساسی و عمده دیگری نیز کسب کرده است. این شورا در مواردی که قانون ساکت و یا مجمل است، می‌تواند با استناد به اصول کلی معین در قانون اساسی و سایر قوانین اقدام به وضع قاعده حقوقی بکند. «شورای دولتی خودش عادت به ایجاد قانون در غیاب قانون دارد.»^(۹) مقررات مربوط به شورای دولتی در قانون دادرسی عدالت اداری گردآوری شده است که یک بخش آن به قوانین و بخش دیگر این مجموعه به آئین‌نامه‌ها اختصاص دارد. در مورد تهیه آئین‌نامه داخلی شورا، تنها آن دسته از آئین‌نامه‌های اجرائی از طرف شورا تنظیم و تدوین می‌شود که مربوط به امور خود شورا یا مربوط به صلاحیت اداری آن باشد. گرچه هیچ نوع اساسنامه و قانونی در این مورد وجود ندارد ولی عرف براین قرار گرفته است که شورا آئین‌نامه‌هایی را که مربوط به سازمان و وظایف آن است خود تدوین می‌کند. مقر شورای دولتی بعد از انقلاب کبیر فرانسه و از سال ۱۸۷۵ به بعد «کاخ سلطنتی»^(۱۰) فرانسه است.

بخش دوم

سازمان شورای دولتی

شورای دولتی دارای اعضای متعددی است و تقریباً متشکل از ۳۰۰ عضو است و از میان افرادی که فارغ‌التحصیل برجسته مدرسه عالی علوم اداری هستند به طریق آزمون رقابتی و نیز به شکل انتصاب خاصی از طرف دولت برگزیده می‌شوند. «کارورزان»^(۱۱) که از نظر سلسله مراتب در پائین‌ترین سطح قرار دارند، ضمن کارآموزی و آموزش، نقشی فعال ایفا می‌کنند. «مستشاران دولت» از اعضای دیگر شورا هستند که در رأس سلسله مراتب قرار دارند و به مستشاران دائمی و مستشاران موقت

– که برای مدت چهار سال از افراد بیرون از سازمان شورای دولتی انتخاب می‌شوند – تقسیم می‌شوند.

ریاست شورای دولتی برعهده نخست وزیر است و در غیاب وی وزیر دادگستری این سمت را برعهده دارد. ولی این مقام کاملاً جنبه نمادین دارد و در عمل اداره کننده واقعی شخصی است که تحت عنوان «نائب رئیس» انجام وظیفه می‌کند. به لحاظ نقش دوگانه (سیاسی – قضائی) تشکیلات شورای دولتی به دو طبقه متمایز تقسیم شده‌اند:

الف: تشکیلات اداری

تشکیلات اداری متشکل از پنج بخش مالی، داخلی، امور عمومی و دولتی، اجتماعی و گزارش و مطالعات است و در رأس هر بخش یک نفر رئیس وجود دارد که هر یک از آنها در حوزه تخصصی خویش نظریه مشورتی ارائه می‌کند. اگر موضوعی اهمیت زیادی داشته باشد هیأت عمومی شورای دولتی صالح به ارائه مشاوره است و بخشهای اداری، صلاحیت ارائه مشاوره ندارند و باید به هیأت عمومی ارجاع دهند. نظریات این تشکیلات جنبه مشورتی دارند و فاقد ضمانت اجرایی لازم هستند.

ب: تشکیلات قضائی (ترافعی)

این تشکیلات به شکایات و اختلافاتی که در صلاحیت شورای دولتی است و به آن ارجاع داده می‌شود، رسیدگی می‌کند. آراء صادره از تشکیلات قضائی از اعتبار امر مختومه برخوردار است. این تشکیلات دارای دو بخش فرعی و اصلی است. به محض وصول اعتراض و یا درخواست، موضوع به بخش فرعی تخصصی ارجاع داده می‌شود تا پس از تحقیق و بررسی و جمع‌آوری دلایل، زمینه برای صدور رای فراهم گردد. در دعاوی ساده و کم اهمیت، بخش فرعی و یا چند بخش فرعی به صورت تلفیقی اقدام به صدور رأی می‌کنند ولی در مسائل مهم بخش اصلی که همان «بخش صدور رأی» است و مهمترین بخش شورای دولتی نیز محسوب می‌گردد اقدام به صدور رأی می‌کند. در دعاوی بسیار مهم و مسائل بحرانی «مجمع مربوط به رسیدگی و صدور

رأی» صالح به رسیدگی است. این مجمع به طور استثنائی تشکیل می‌گردد و متشکل از نایب رئیس شورای دولتی، رئیس و معاونین بخش صدور رأی مربوطه، رئیس بخش فرعی پرونده مطروحه، گزارشگر و رؤسای پنج بخش اداری است این مجمع نماینده و معرف شورای دولتی در بخش قضائی است.

هر چند تشکیلات قضائی شورای دولتی در مقام قضائی خود به نظرات و عقاید تشکیلات اداری ارج و اهمیت می‌دهد ولی در مقایسه با تشکیلات اداری از درجه اعتبار بیشتری برخوردار است؛ چرا که اولاً بخش قضائی شورای دولتی متعاقب صدور نظر مشورتی تشکیلات اداری می‌تواند با ابطال و الغاء مصوبه به طور غیرمستقیم نظر موافق تشکیلات اداری را نیز بی‌اثر سازد؛ ثانیاً برخلاف نظریات تشکیلات اداری که جنبه مشورتی دارند، آراء صادره از تشکیلات قضائی در موضوعات ترافعی قطعی و دارای ضمانت اجرائی هستند.

ج) هیأت عمومی شورای دولتی

قبلاً نیز اشاره شد که شورای دولتی دارای دو نوع تشکیلات اداری و تشکیلات قضائی (ترافعی) است. در بررسی سازمان و وظایف شورای دولتی در می‌بایم که هم در موضوعات مربوط به تشکیلات اداری و هم در موضوعات مربوط به تشکیلات ترافعی هیأت عمومی شورای دولتی تشکیل می‌گردد، ولی ساختاری متفاوت از یکدیگر دارند. به این توضیح که در موضوعات مربوط به تشکیلات اداری هیأت عمومی شورای دولتی موقعی تشکیل می‌شود که یک موضوع با اهمیت مانند مصوبه یا لایحه مورد استشاره قرار گیرد. در زمینه صلاحیتهای مربوط به تشکیلات اداری هیأت عمومی دارای دو نوع مجمع است: هیأت عمومی عادی که دارای ۳۵ عضو است و به ریاست نایب رئیس شورا تشکیل می‌گردد و وظیفه آن ارائه نظر مشورتی در خصوص لوایح و مصوبات دولتی است و در خصوص مواردی که وزیر یا رئیس یکی از بخشها به لحاظ اهمیت نظر مشورتی می‌خواهد هیأت عمومی عادی مرجع صالح می‌باشد. هیأت عمومی متشکل از همه اعضا هم در مواردی تشکیل می‌گردد که هیأت عمومی عادی

موضوعی را به آن ارجاع می‌دهد. در مورد برخی انتخابات مربوط به شورای دولتی مثل تعیین اعضای دادگاه حل اختلاف صلاحیت دارد. اعضای این هیأت متشکل از نائب رئیس، رؤسای هر یک از بخشها و اعضای مستشار است.

در زمینه صلاحیتهای مربوط به تشکیلات قضایی، در مواردی که یک دعوای مهم و ملی و یا بحرانی مطرح باشد، هیأت عمومی شورای دولتی تشکیل می‌گردد. ریاست این هیأت نیز برعهده نائب رئیس شورای دولتی است. علاوه بر آن رئیس بخش مربوطه و سه معاون وی و رئیس بخش فرعی که تحقیقات مقدماتی را انجام داده است و گزارشگر و روسای پنج بخش اداری از اعضای این هیأت محسوب می‌شوند.

بخش سوم

صلاحیت مشورتی شورای دولتی

پیشتر نیز یادآوری کردیم که بررسی تاریخی شورای دولتی نشانگر این مطلب است که نقش مشورتی^(۱۲) شورا مقدم بر نقش قضائی آن بوده است و در آغاز صرفاً به عنوان مشاور فنی دولت تلقی می‌گردید. ولی باید در نظر داشت که همین نقش مشورتی فاقد ضمانت اجرا هم دارای اهمیتی فراوان در نظام حقوقی فرانسه است. نقش شورای دولتی در تهیه و تدوین مجموعه عظیم کد ناپلئونی^(۱۳) تا حدی است که قانون اساسی فرانسه نیز به آن اعتراف و اقرار می‌کند. این کد، که شهرت بین‌المللی نیز دارد، در برگرفته مجموعه عظیم از قوانین مدنی، کیفری، آئین دادرسی مدنی، آئین دادرسی کیفری و بازرگانی است.

رشد و توسعه نظام آئین‌نامه‌ای در میان نظامهای حکومتی و مخصوصاً در فرانسه عامل دیگری در اهمیت شورای دولتی است. دولت در تهیه و تنظیم این آئین‌نامه‌ها از مشاوره‌های شورای دولتی بهره‌مند می‌گردد و برای اینکه آئین‌نامه‌ها و مقررات دولت در تعارض با قوانین قرار نگیرد، مشاوره با شورای دولتی در مراحل تهیه و تنظیم و حتی اجرا ابزاری است مناسب تا دولت خود را از تقابل با قوه مقننه برهد، چرا که اعضای شورای دولتی متشکل از افرادی متخصص در حوزه‌های مختلف است و

نظریات مشورتی آنها معمولاً در جهت تأمین نظر قانونگذار است. از طرفی این مشاوره، دولت را از تقابل با خود شورای دولتی نیز رهائی می‌دهد و احتمال ابطال آئین‌نامه‌ها را نیز کاهش می‌دهد. در صورت تصویب نهائی آئین‌نامه‌ها براساس نظریات شورای دولتی ابطال و الغاء آن نیز توسط بخش قضائی بعید و نادر خواهد بود. مشاوره دولت در امور اجرائی با شورا نیز این نتیجه و ثمر را در پی دارد که اولاً اعضای دولت از قانونی بودن اعمال خویش اطمینان پیدا می‌کند، ثانیاً دغدغه و احتمال ابطال اقدامات و الغاء برنامه‌ها را به خود راه نمی‌دهند.

مطالعه و تدقیق در نظریات مشورتی مؤید این مطلب است که غالب این نظریات مورد عمل و استفاده دولت قرار گرفته است و شورا توانسته است با درک واقعی نیازهای جامعه، در هر زمانی روشی معقول به دولتمردان ارائه کند. بدین ترتیب می‌بینیم که شورای دولتی توانسته است با اعمال صلاحیتهای مشورتی خویش در سیاستهای اجتماعی، اقتصادی، اداری، ارائه خدمات عمومی و روابط سیاسی نقشی مؤثر ایفا کند. وظیفه مشاوره‌ای شورای دولتی توسط پنج بخش اداری انجام می‌پذیرد که عبارتند از: ۱- بخش داخلی ۲- بخش مالی ۳- بخش امور عمومی مردمی ۴- بخش امور اجتماعی ۵- بخش گزارش و مطالعات.

هر یک از این بخشها متشکل از یک رئیس و یازده الی پانزده مشاور دولتی هستند و هر بخش به وزارتخانه‌های و موضوعات مرتبط با خویش نظریه مشورتی ارائه می‌دهد. علاوه بر بخشهای مذکور مجمع یا هیأت عمومی شورای دولتی نیز در خصوص تمامی بخشنامه‌ها، فرامین دولتی و لوایح قانونی و یا مواردی که هر یک از بخشها به لحاظ اهمیت موضوع ارجاع می‌دهد به ارائه نظریه مشورتی می‌پردازد. این هیأت در برگیرنده تمامی رؤسای بخشها و اعضای اصلی شورای دولتی است. رکن سوم از مراجع مشورتی شورای دولتی «انجمن ایستاده و یا سرپا»^(۱۴) است. مواردی که فوریت یک موضوع با دستور صریح نخست وزیر به شورا ارجاع داده می‌شود یک انجمن ایستاده قائم مقام بخش اداری و یا مجمع عمومی می‌گردد و متشکل از نایب رئیس شورا و رئیس و ۱۲ عضو شورای دولتی و تعدادی کارشناس حقوقی و بازرسی

است که باید در اسرع وقت نظریه مشورتی خود را ارائه کند. صلاحیت مشورتی شورای دولتی یا اجباری است و یا اختیاری که به اختصار به توضیح هر یک از آنها می‌پردازیم^(۱۵).

بند اول : صلاحیت مشورتی اجباری

مواردی وجود دارد که دولت باید قبل از تصمیم و اقدام به آن، با شورای دولتی مشاوره کند. اصول ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی فرانسه به لزوم مشاوره دولت با شورای دولتی تأکید می‌کنند. به طور کلی موارد صلاحیت مشورت اجباری را در موارد ذیل می‌توان خلاصه کرد:

۱- آئین‌نامه‌های اجرائی^(۱۶) و آئین‌نامه‌های عادی

آئین‌نامه‌های اجرائی در پی تصویب قانون و با اجازه صریح قانونگذار توسط قوه مجریه تهیه و به تصویب می‌رسد. به دلیل عدم امکان تصویب جزئیات امور و تخصصی بودن اکثر امور اجرائی، اعطای این اختیار امری ضروری است. علاوه بر آئین‌نامه‌های اجرائی دولت می‌تواند در موضوعاتی که خارج از حیطه قانونگذاری پارلمان است، مقرراتی را برای اجرای وظایف خویش وضع کند. این مصوبات تحت عنوان مقررات دولتی شامل آئین‌نامه و تصویب‌نامه و بخشنامه و ... می‌شود. اصل ۳۷ قانون اساسی فرانسه مقرر می‌دارد که تمامی مقررات دولتی باید پس از مشورت با شورای دولتی به تصویب برسد و تغییر این مقررات نیز منوط به مشورت با شورا است. پس از وصول آئین‌نامه به شورا بخش مربوطه بررسی و رسیدگی را آغاز و نتیجه کار بخش، در هیأت عمومی شورا مطرح می‌شود و مورد شور و بررسی مجدد قرار می‌گیرد و بعد از رسیدگی و تغییرات احتمالی آئین‌نامه جهت اجرا به دولت اعاده می‌گردد. «دولت می‌تواند آئین‌نامه را به همان صورت که خود تقدیم شورای دولتی کرده بود، یا به صورت تصویب شده در شورا یا چیزی بین این دو به موقع اجرا بگذارد. اگر دولت هیچ یک از این روشها را دنبال نکند ممکن است شعبه قضائی شورا

به استناد «تخطی از حدود اختیار» بر مبنای اینکه تشریفات مقرر قانونی مراعات نشده است آئین‌نامه را لغو کند.»^(۱۷)

۲- لوایح قانونی دولت

لوایح قانونی قبل از طرح در جلسه هیأت وزیران باید به شورای دولتی جهت اظهار نظر ارسال گردد و پس از اینکه شورا نظریه مشورتی خویش را در خصوص لایحه مورد نظر ارائه داد، لایحه مذکور در هیأت وزیران طرح و لایحه نهایی از سوی هیأت وزیران به پارلمان ارسال می‌گردد. اصل ۳۹ قانون اساسی فرانسه در این مورد چنین می‌گوید: «نخست وزیر و اعضای پارلمان قوانین را توأمان پیشنهاد می‌کنند. لوایح قانونی پس از اخذ نظر شورای دولتی در هیأت وزیران به بحث و بررسی گذاشته می‌شود و سپس به دفتر یکی از دو مجلس ارائه می‌گردد. لوایح قانونی مالی بودجه ابتدا به مجلس ملی ارائه می‌شود». مفهوم مخالف این اصل بیانگر اینست که طرح‌های قانونی نمایندگان پارلمان نیازی به مشورت و یا اخذ نظر شورای دولتی ندارند. در ضمن شورای دولتی صلاحیت تشخیص و معین نمودن لوایحی که حاوی مطالب تقنینی است از لوایحی که در برگیرنده مقررات دولتی است را نیز دارا است. بدیهی است لوایحی که تقنینی است امکان ارائه، به پارلمان را خواهد داشت و تصویب نهایی مقررات دولتی نیز با خود دولت خواهد بود.

۳- دستورالعمل‌های در حکم قانون

اصل ۳۸ قانون اساسی فرانسه، به دولت اجازه می‌دهد برای اجرای برنامه‌های خود از پارلمان کسب اجازه کند تا برای مدتی محدود از طریق «دستورالعمل» تصمیماتی را اتخاذ کند که اصولاً در حکم قانون هستند. این دستورالعمل‌ها برای مدتی محدود اعتبار دارند و بعد از انقضای مدت معین کأن لم یکن تلقی می‌گردند. تغییر دستورالعمل‌های مذکور و یا از بین بردن آثار و اعتبار آنها منوط به تصویب قانون است، همچنانکه در صورت تصویب پارلمان مفاد دستورالعمل‌ها می‌توانند شکل قانون به خود بگیرند. این

دستورالعمل‌ها قبل از طرح در هیأت وزیران به شورای دولتی ارسال و پس از اخذ نظر شورا در هیأت وزیران مطرح و جهت کسب اجازه به پارلمان ارسال می‌شوند.

۴- تصویب نامه‌های به شکل آئین‌نامه اجرایی^(۱۸)

این تصویب نامه‌ها مقرراتی هستند که بنا به دعوت پارلمان و طبق حدود و ثغوری که توسط آن تعیین می‌گردد توسط دولت وضع می‌شوند و برخلاف آئین‌نامه‌های اجرایی منظور از این تصویب نامه‌ها تکمیل فوری قانون مخصوصی نیست بلکه قصد از آن تعیین مقرراتی برای وقایع مخصوص است و طبیعت فردی دارد نه جمعی^(۱۹)، در این مورد هم مشورت با شورا برای دولت الزامی است.

۵- تصویب‌نامه شورای دولتی^(۲۰)

تصویب‌نامه‌های شورای دولتی شامل موضوعاتی می‌شوند که برحسب پیش‌بینی قانون باید به شورای دولتی تسلیم شوند. این تصویب‌نامه‌ها در خصوص موضوعاتی هستند که شورای دولتی می‌تواند مقرراتی را در آنها ایجاد کند، مقرراتی که میدان عمل آن کلی نیست و موضوعات خاصی را در برمی‌گیرد. در این موضوعات اظهار نظر یکی از شعب داخلی شورا کافی است، مگر اینکه هر یک از این شعب بخواهند موضوع را به هیأت عمومی شورا ارجاع دهند که این ارجاع در موضوعات مهم و اساسی صورت می‌پذیرد. «در مواردی که دولت ملزم است نظر شورای دولتی را جویا شود و به این عمل مبادرت نورزد موجب می‌گردد تا صلاحیت مرجع تصویب کننده مورد ایراد قرار گرفته و نهایتاً در صورت شکایت شورا بتواند با اختیارات قضائی خود چنین مقرراتی را باطل کند. البته این بدان معنی نیست که دولت بایستی از نظر شورای دولتی متابعت کند بلکه دولت می‌تواند نظر مشورتی را نادیده بگیرد و یک لایحه جدید برای پارلمان آماده کند که شامل مقرراتی باشد که نه با لایحه اولی خودش مطابقت نماید و نه با اصلاحات پیشنهاد شده توسط شورای دولتی، به همین دلیل هر چند که این مطلب نیاز

به مشورت را ظاهراً بی‌نتیجه می‌کند اما مجلس نیز برای پذیرفتن هر متنی که صلاح بداند آزادی کامل دارد^(۳۱).

بند دوم : صلاحیت مشورتی اختیاری

مواردی وجود دارد که وزارتخانه‌ها می‌توانند در صورت تمایل از شورای دولتی نظر مشورتی بخواهند و یا اینکه بنا به رأی و تصمیم خویش عمل کنند. در مواردی که دولت از شورای دولتی نظریه مشورتی دریافت می‌کند ملزم به تبعیت از آن نیست، ولی تجربه نشان داده است که نظریات مشورتی شورا عمدتاً مورد قبول دولت قرار گرفته و از آن پیروی کرده است. دولت در مواردی چون تصویب نامه‌های عادی و داخلی نظیر انتصاب افراد به مشاغل اداری، وضع مقررات برای واحدهای پایین‌تر اداری و نیز در تفتیح عبارات و الفاظ حقوقی و سلاست و روانی تصویب نامه‌ها و انطباق آنها با قوانین عادی، از شورای دولتی نظریه مشورتی می‌خواهد.

شورای دولتی در خصوص اداره وزارتخانه‌ها و امور مهم آنها، مورد شور و مشورت قرار گرفته و رأی مشورتی شورا، راهنمایی عمل آنان قرار می‌گیرد. در مواردی که وزیری می‌خواهد اقدام خویش را مستند به یک توجیه منطقی و علمی کند، با اخذ رأی موافق شورای دولتی می‌تواند از فشار منتقدان نیز رهایی یابد و اگر موضوعی دارای اهمیت اجتماعی و یا سیاسی باشد دستور انتشار نظریه مشورتی را نیز در روزنامه رسمی صادر می‌کند. این نوع مشورت دولتمردان و وزرا با شورای دولتی نوعاً یک رایزنی است. شورای دولتی یک مشاور متخصص و فنی برای اداره کشور محسوب می‌گردد و مخصوصاً از بعد حقوقی مشاوره شورای دولتی اهمیت فراوانی برای دولت دارد. سازمانها و ادارات و وزرا می‌توانند نظر شورای دولتی را در خصوص اعتبار و یا نسخ قوانین و امکان عمل به قانون یا تصویب نامه جويا شوند. شورا در تهیه مقررات، تهیه پیش نویس لوایح و حتی انجام برخی کارهای اداری، در تفسیر یک قانون خاص و حل مشکلات ناشی از اجرای آن و ... دولت را یاری می‌کند. وزرا می‌توانند سؤالات قضائی خویش را از شورا بخواهند و شورا به عنوان یک مشاور

حقوقی به دولت و وزرا مشاوره انفرادی می‌دهد. در حوزه بین‌الملل نیز شورا نظریه مشورتی به دولت ارائه می‌کند. به دلیل عضویت فرانسه در اتحادیه اروپا، شورای دولتی در تمامی اقدامات اتحادیه که جنبه تقنینی دارد خدمات مشاوره‌ای خویش را به دولت تقدیم می‌کند.

ماده ۳-۱۱۲ بخش قانونی قانون سازمان اداری این اختیار را به شورای دولتی داده است که توجه مقامهای دولتی را به انجام اصلاحات قانونی و آئین‌نامه‌ای سودمند و مناسب جلب کند تا آنان به انجام اصلاحات ذکر شده اقدام کنند^(۲۲). با این وصف می‌بینیم که حتی در مواردی که شورای دولتی مورد استشاره قرار نگرفته است، قانونگذار این اختیار را به شورا داده است که بتواند نظارت و ارشاد خویش را بدین نحو در دستگاههای اجرائی اعمال کند.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که جز در برخی موارد استثنائی که قانون موافقت دولت با نظر شورای دولتی را لازم می‌داند، در سایر موارد دولت ملزم به پیروی از نظر شورای دولتی نیست حتی اگر مشورت اجباری باشد^(۲۳). به عبارتی قانون، دولت را در مواردی ملزم و مجبور به مشورت با شورای دولتی می‌کند و در مواردی هم اختیار مشورت را به خود دولت واگذار می‌کند که در هر دو مورد دولت مجبور به پیروی از نظریه مشورتی شورا نیست بجز در مواردی که قانون نظریه شورا را برای دولت الزام آورد می‌شناسد. از آن جمله می‌توان به نظریه مشورتی شورا در خصوص تصمیمات فردی و اداری معینی، علی‌الخصوص آنهایی که مربوط به ملیت و تابعیت و یا اعطای تابعیت^(۲۴) و یا بخشش بدهی^(۲۵) است، اشاره کرد.

بخش چهارم

انواع دعاوی مطروحه در شورای دولتی

قبل از تأسیس و تشکیل دادگاههای اداری بدوی و تجدید نظر، شورای دولتی مرجع رسیدگی بدوی به دعاوی اداری بود ولی در حال حاضر صلاحیت رسیدگی

بدوی و تجدید نظر از شورای دولتی گردیده است و اصل بر این است که صلاحیت بدوی با دادگاههای اداری بدوی و صلاحیت تجدید نظر با دادگاههای تجدید نظر اداری است و صلاحیت بدوی و تجدید نظر شورای دولتی استثناء بر اصل است. عمده دعوی که قبلاً به طور مستقیم در شورای دولتی مطرح می‌شد و در حال حاضر در دادگاههای اداری فرانسه مطرح می‌شود را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم‌بندی کرد:

الف) دعوی «تجاوز از حدود اختیار»^(۳۶)

ب) دعوی «استیفای حق»^(۳۷)

بیشتر دعوی مطروحه در دادگاههای اداری از دعوی نوع دوم هستند و مردم برای جبران خسارت‌های وارده از ناحیه دولت و براساس قانون مسئولیت عمومی اقدام به اقامه دعوی می‌کنند. بدیهی است در مواردی که شورای دولتی هر یک از صلاحیتهای سه‌گانه بدوی، تجدید نظر و فرجام را اعمال می‌کند ممکن است مستند شاکی، متکی به هر یک از موارد دوگانه فوق و یا مستند به هر دوی آنها باشد که به اختصار هر یک از این دعوی را تبیین می‌کنیم.

بند اول: دعوی تجاوز از حدود اختیار

اگر مأمور دولت به واسطه فقدان صلاحیت، عدم رعایت تشریفات مقرر در قانون، سوء استفاده از اختیار و یا نقض قانون، اقدامی را انجام دهد و یا تصمیمی را اتخاذ کند و حتی بنا به یکی از دلایل فوق آئین‌نامه و یا تصویب نامه‌ای صادر شود، بر حسب مورد قابل شکایت در دادگاههای اداری و شورای دولتی است. البته خطای شخصی قابل تعقیب در محاکم اداری نیست. تعقیب اداری وقتی صحیح خواهد بود که مأمور و مرجع مورد شکایت در راستای انجام خدمت عمومی و اعمال حاکمیتی دولت مرتکب تخلف شده است و الا از قلمرو دادرسی اداری خارج خواهد بود.

اعمال مربوط به روابط بین قوا مانند انحلال مجلس، اعمال دیپلماتیک و قراردادهای بین‌المللی، تصمیمات قضائی، قوانین مصوب پارلمان و ادعای مخالفت آنها با قانون اساسی و اعمال سیاسی دولت که هیچ خسارتی را به اشخاص به بار نیاورده

است قابل شکایت در شورای دولتی نیست و اصولاً در این موارد نمی‌توان به استناد تجاوز از حدود اختیار اقامه دعوی کرد. در مقابل می‌توان علیه آئین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها و هر عمل اداری دیگر که به حقوق اشخاص خسارتی را به بار آورد اقامه دعوی کرد. استناد به تجاوز از حدود اختیار و اثبات آن باعث خواهد شد تا تصمیم اداری لغو گردد چه این تصمیم شامل فرد یا افراد معینی شود و یا اینکه مثل آئین‌نامه دارای میدان عمل عمومی و کلی باشد. در حال حاضر اغلب فرجام‌خواهی‌ها در شورای دولتی به دلیل تجاوز و سوء استفاده از حدود اختیارات است.^(۲۸)

بند دوم : دعاوی استیفای حق

طبق قانون مسئولیت عمومی، دولت در قبال اعمال خویش و خساراتی که به اشخاص وارد می‌کند، مسئولیت مدنی دارد. تا آغاز قرن بیستم، رویه قضائی دولت را در مورد اعمال حاکمیت مسئول نمی‌شناخت ولی کم کم زمینه‌های عدم مسئولیت دولت در این موارد محدودتر گردید و مسئولیت دولت در اعمال حاکمیتی نیز پذیرفته شد و حتی اعمال تصدی دولت که سابقاً بر عهده دادگاههای عمومی بود در صلاحیت شورای دولتی قرار گرفت^(۲۹). شورای دولتی توانست در این موارد، حکم به پرداخت غرامت علیه دولت صادر کند. در فرانسه مسئولیت دولت نه تنها بر پایه فرضیه تقصیر بلکه براساس نظریه خطر نیز پذیرفته شده است.

در دعاوی استیفای حق شاکی با اقامه دعوی قصد احقاق خویش را دارد و ابطال و الغاء تصمیم و یا آئین‌نامه و مصوبه مد نظر وی نیست بلکه می‌خواهد ضمن اثبات ادعای خویش حقوق تضییع شده خویش را احیاء کند. از جمله این دعاوی می‌توان به قراردادهای اداری و استخدامی اشاره کرد که اشخاص می‌توانند برای استیفای حقوق خویش اقامه دعوی کنند و حتی در این مورد شاکی می‌تواند در مورد خسارات ناشی از خطای شخصی مأمور نیز در شورای دولتی اقامه دعوی کند. حکم صادره در مورد دعاوی ناشی از استیفای حق فقط نسبت به همان پرونده خواهد بود و اثر کلی و عمومی نخواهد داشت و هدف جبران خسارات و زیانهای است که بر شاکی وارد شده

است. شورای دولتی در راستای حمایت از حقوق اشخاص در مقابل تصمیمات اقدامات و اعمال دولت اعم از اعمال حاکمیت و تصدی و یا توسل به تخطی و تجاوز از حدود اختیار توانسته است علاوه بر احیای حقوق خصوصی مردم قواعد حقوق بشر و حقوق عمومی را احیاء، تضمین و تثبیت کند.

بخش پنجم

جایگاه شورای دولتی در سلسله مراتب دادگاههای اداری

در فرانسه دادگاههای اداری، به حل و فصل اختلافاتی که ماهیت اداری دارند می‌پردازند. تا قبل از تشکیل دادگاههای اداری بدوی و دادگاههای تجدید نظر اداری، شورای دولتی تنها دادگاه اداری بود که در حوزه حقوق عمومی به حل و فصل دعاوی اداری می‌پرداخت. ولی به لحاظ تراکم کار شورای دولتی و انباشته شدن پرونده‌ها در شعب قضائی دادگاههای اداری بدوی^(۴۰) تاسیس گردید. در این برهه از زمان شورای دولتی مرجع تجدید نظر آراء این دادگاهها بود. ولی افزایش دعاوی اداری تراکم مجدد پرونده را در شواری دولتی موجب شد. راهکار نظام حقوقی فرانسه ایجاد دادگاههای تجدید نظر اداری^(۴۱) بود. علیرغم این تمهیدات شورای دولتی هم در مرحله بدوی و هم در مرحله تجدید نظر و هم در مرحله فرجام دارای صلاحیت است و برخلاف دیوان عالی کشور که صرفاً نقش فرجامی دارد، اصل سلسله مراتب و درجه دادگاهها به عینه در آن رعایت نمی‌شود. شورای دولتی علاوه بر نقش فرجامی مرجع بدوی و تجدید نظر برخی از دعاوی است که هر یک را به اختصار بررسی می‌کنیم.

الف: شورای دولتی به منزله مرجع بدوی

مواردی وجود دارد که شورای دولتی به عنوان مرجع مرحله بدوی است و در ابتدا به موضوع دعوی و شکایت رسیدگی می‌کند. چون شورای دولتی بالاترین مرجع اداری محسوب می‌گردد، آراء صادره آن قطعی و غیرقابل تجدید نظر است. دلیل دیگر قطعیت آراء شورای دولتی در مورد صلاحیتهای بدوی اهمیت این موضوعات است و

همین اهمیت باعث می‌شود تا آراء شورای دولت در این موارد از ثبات و قطعیت بیشتری برخوردار باشد. صلاحیت رسیدگی بدوی شورای دولتی معمولاً در خصوص موضوعاتی است که جنبه ملی دارند. مواردی مثل صلاحیت ابطال مصوبات و آئین‌نامه‌های هیات دولت و وزیران، صلاحیت رسیدگی به شکایت از وزیران و مسئولین رده بالای کشور، هیات‌های دانشگاهی که صلاحیت و اختیارات ملی دارند و به طور کلی هر دستور و یا اقدامی که جنبه عمومی و ملی به خود گیرد، از جمله صلاحیتهای بدوی شورای دولتی تلقی خواهد شد.

ب: شورای دولتی به منزله مرجع تجدید نظر

همانطور که بیان گردید شورای دولتی قبل از تشکیل دادگاههای تجدید نظر اداری، مرجع تجدید نظر آراء دادگاههای اداری بود ولی از سال ۱۹۸۷ این صلاحیت از شورای دولتی سلب و به دادگاههای تجدید نظر منتقل گردید و صلاحیت دادگاههای تجدید نظر اداری نیز صرفاً به همین موضوع محدود می‌شود. با وجود این در موارد استثنائی شورای دولتی به منزله مرجع تجدید نظر آراء صادره تلقی می‌گردد:

۱- در مواردی که مرجع اداری اختصاصی (غیر از دادگاه اداری بدوی) تصمیمی را اتخاذ کند و این مرجع دارای مرجع تجدید نظر مخصوص به خود نباشد. در این صورت مرجع تجدید نظر از تصمیم مذکور شورای دولتی است.

۲- رأی دادگاه اداری بدوی در خصوص انتخابات شهرداریها و یا مناطق قابل تجدید نظر در شورای دولتی است و نه دادگاه تجدید نظر اداری و این به لحاظ اهمیت سیاسی آن و نیز به لحاظ ایجاد رویه متمرکز قضائی در امور ملی و عمومی است.

۳- در مواردی که یک مشکل حقوقی جدید در بیشتر دعاوی و پرونده‌ها مطرح گردد و مسئله جهت رسیدگی به دادگاه تجدید نظر اداری ارجاع شود، دادگاه مذکور با ارسال پرونده به شورای دولتی رسیدگی را به تعویق می‌اندازد تا شورا آن را قاعده‌مند سازد و به شکل یک رأی اعلام کند. البته دادگاه تجدید نظر الزامی به پیروی از این رأی ندارد ولی عملاً با رأی شورای دولتی نیز مخالفت نمی‌کند؛ چون امکان نقض رأی

آن در نتیجه فرجام‌خواهی وجود دارد. البته به نظر می‌رسد این موضع را نمی‌توان از صلاحیت‌های تجدید نظر شورای دولتی دانست بلکه رأی شورا در این خصوص یک «رأی مشورتی» برای دادگاه تجدید نظر اداری محسوب می‌گردد، وگرنه رأی صادره می‌بایست قطعی بود و رسیدگی مجدد دادگاه تجدید نظر نیز حذف می‌شد.

ج: شورای دولتی به منزله مرجع فرجام‌خواهی

چون شورای دولتی مرجع عالی دادگاهها و مراجع اداری است لذا فرجام‌خواهی از آراء و تصمیمات آنها متوجه شورا شده است. شورای دولتی به عنوان آخرین مرجع اداری می‌تواند با استفاده از صلاحیت رسیدگی شکلی خویش تمامی آراء و تصمیمات مراجع اداری را الغاء و ابطال کند. بعد از اصلاحات سال ۱۹۸۷ و پیش بینی دادگاههای تجدید نظر اداری فرجام‌خواهی مشمول یک روند «پذیرش پیشین» شده است که در نتیجه آن شورای دولتی می‌تواند در نخستین قدم چنانچه فرجام‌خواهی ناپذیرفتنی باشد یا به شیوه‌ای درست تنظیم نشده باشد آن را رد کند. این نوآوری باعث شده است تا هر اعتراض و پرونده‌ای نتواند پراحتی وقت شورای دولتی را به خود صرف کند. به عبارتی پذیرش پیشین یک رسیدگی شکلی و مقدماتی از جهت ماهیت و تکمیل فرجام‌خواهی است. رسیدگی فرجامی شورای دولتی شکلی است و در صورت نقض شورای دولتی پرونده را به دادگاه هم عرض ارجاع می‌دهد و یا به همان دادگاه به شرط تصدی اعضاء جدید ارجاع می‌دهد. اگر موضوعی اهمیت زیادی داشته باشد و شورای دولتی رسیدگی ماهیتی خویش را به مصلحت بداند در این صورت رسیدگی شکلی در مرحله فرجامی به رسیدگی ماهیتی تبدیل می‌شود و شورا در این موارد رأی ماهیتی صادر می‌کند.

نتیجه گیری :

در بررسی سازمان، وظایف و اختیارات شورای دولتی فرانسه به این نتیجه می‌رسیم که نام و عنوان شورای دولتی بیشتر نمایانگر صلاحیت مشورتی آن است و مطالعه تاریخی مؤید این مطلب است که اساس و مبنای تاسیس آن بر صلاحیت مشورتی استوار بوده است و صلاحیت قضائی شورا امری است که مقتضیات ضروریات جامعه آن را ایجاب و ایجاد کرده است و صلاحیت قضایی آن به دلیل داشتن ضمانت اجرایی لازم از صلاحیت مشورتی آن پیشی گرفته است. وجود دو نوع صلاحیت اداری و قضائی باعث شده است تا نظام اداری فرانسه از انجام و استحکام بیشتری برخوردار باشد؛ از یک طرف دولت با کسب نظریات مشورتی شورای دولتی، احتمال ابطال و الغاء بعدی آن را توسط شورای دولتی به حداقل ممکن می‌رساند و از طرفی شورای دولتی با داشتن صلاحیت قضایی بر اعمال دولت و دستگاه‌های اجرایی و مأمورین آنها نظارت کامل دارد و این صلاحیت عامل مضاعفی برای اتخاذ تصمیمات مناسب و امتناع از تخلف محسوب می‌گردد. البته باید در نظر داشت که دولت با بهره‌مندی از صلاحیت مشورتی، در واقع امکان اعمال صلاحیت قضایی را در مورد تصمیمات و اقدامات خویش از بین می‌برد، چرا که موافقت و تأیید رکن دیگر شورای دولتی را قبلاً اخذ کرده است و به لحاظ ارتباط تنگاتنگی که در بخشهای مختلف اداری و قضائی وجود دارد کمتر اتفاق می‌افتد که تشکیلات قضایی اقدام و یا تصمیمی که بر مبنای نظر مشورتی شورای دولتی صادر گردیده است را ابطال و یا الغا کند. نکته اخیر در مورد شورای دولتی فرانسه اینکه این شورا با استقلال نسبی از قوه مجریه و استقلال کامل از سایر قوا توانسته است نظارت و نفوذ خویش را بر دستگاههای دولتی و اداری افزایش دهد و مخصوصاً با توسل به صلاحیت قضائی، سلامت نظام اداری فرانسه را تضمین کند و با اعضای خویش که در علوم و حقوق اداری تخصص و مهارت دارند، که مشاور و مساعدی مناسب در نظام اداری و مراقب و ناظری مطمئن بر جریان امور اداری هستند، مشورت می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1- comparative law

2- Conseil d' E'tat.

3- Conseil du Roil.

۴- حیدری، مسعود، شورای دولتی، چاپ اول، صفحه ۱۳۱.

۵- پرو، روزبه، با نهادهای قضائی فرانسه، ترجمه شهرام ابراهیمی و عباس‌ترین و غلامحسین کوشکی، صفحه ۲۶۵.

۶- ابوالحمد، عبدالحمید، حقوق اداری ایران، صفحه ۵۷۲.

7- Conseil des ministres.

۸- حیدری، مسعود، پیشین، صفحه ۷.

۹- همین دوا، آرلت؛ آزادیهای عمومی و حقوق بشر، صفحه ۱۳۵.

10 - Palais – Royal.

11 - A uditeurs.

12 - Consultative role.

13- Napoleonic Code.

14- Stunding committee.

۱۵- برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: حیدری، مسعود، پیشین، صفحه ۱۱۰ به بعد و

رضائی‌زاده، محمدرضا، محاکم اداری فرانسه و صلاحیت آنها در رسیدگی به دعاوی اداری، صفحه ۷۶ به بعد.

16- Règlements d' administration Pubbique.

۱۷- حیدری، مسعود، پیشین، صفحه ۱۱۲.

18- Décrets en forme de règlement d' administration.

۱۹- حیدری، مسعود، همان.

20 -Décret en conseil d'Etat.

۲۱- رضائی‌زاده، محمدرضا، پیشین، صفحه ۷۹ الی ۷۸.

۲۲- پرو، روزبه، پیشین، صفحه ۲۶۱.

۲۳- همان.

24- Naturalization.

25- Remission of debt.

26- Ultra Vires.

27- Recours de Pleine Juridi Ctioin.

۲۸- پرو، روزبه، پیشین، صفحه ۲۹۸.

۲۹- حیدری، مسعود، پیشین، صفحه ۲۰۶.

30- Tribunaux administratifs

31- Cours administratives

منابع

- ۱- ابوالحمد، عبدالحمید؛ حقوق اداری ایران؛ چاپ چهارم، انتشارات توس، تهران: ۱۳۷۰.
- ۲- پرو، روزه؛ نهادهای قضائی فرانسه؛ ترجمه شهرام ابراهیمی و غیره؛ چاپ اول، انتشارات سلبیل، قم: ۱۳۸۴.
- ۳- حیدری، مسعود؛ شورای دولتی مطالعه تطبیقی در دادرسی اداری؛ چاپ اول، چاپخانه دانشگاه تهران؛ تهران: ۱۳۴۷.
- ۴- دوگتن، برنارد و آرت مارتن و موریست نیوگره؛ نهادهای سیاسی، اداری و قضائی فرانسه؛ ترجمه دکتر سیدمحسن شیخ‌الاسلامی؛ چاپ اول، نشر میزان؛ تهران: ۱۳۸۱.
- ۵- رضائی‌زاده، محمدرضا؛ محاکم اداری فرانسه و صلاحیت آنها در رسیدگی به دعاوی اداری؛ چاپ اول، انتشارات مدیریت؛ تهران: ۱۳۸۴.
- ۶- همین دوا، آرت؛ آزادیهای عمومی و حقوق بشر؛ چاپ اول، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران؛ تهران: ۱۳۸۲.